

سر آغاز

برای عصری که در آن زندگی می‌کنیم، از جهات مختلف، می‌توان عناوین و وجوه امتیاز مختلفی قایل شد، اما مهمترین ممیزه آن، که همه جنبه‌ها و آثار و عوارض دیگر به درجات مختلف ناشی از آنند، دستاوردهای انسانی است در زمینه علم و تکنولوژی که به این عصر در برابر اعصار گذشته چهره‌ای متمایز و ممتاز بخشیده است. شتابزدگی، دگرگون‌شوندگی، انقلابی بودن روزگار ما در همه زمینه‌ها ناشی از آنست که انسان با شناخت طبیعت و تصرف در آن مبانی وجود وزندگی خود را دگرگون کرده است. جماعات تقسیم‌شده دیروز بشری به ملتها و قومها و امپراتوریها و ولایات و نژادها و دینها، که قرنهایی دراز در حوزه‌هایی جدا از هم و با تأثیرات ضعیف بریکدیگر می‌زیستند، امروز، بر اثر پیروزیهای علم و تکنیک، چنان باهم ارتباط و پیوستگی یافته‌اند که هیچ گروه از دیگری جدا و از تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن برکنار نیست. شاید بتوان گفت که به مدد علم و تکنیک، «بشریت» و «همبستگی بشری»، که تاکنون تنها مفهومی محدود و اخلاقی بود، به معنی حقیقی کلمه، که ارتباط عینی و ذهنی همه‌جانبه و ادراک متقابل و تأثیر و تأثرپذیری یکایک افراد انسانی از یکدیگر است، در حال زاده شدن است. گروههای انسانی که تا دیروز در حوزه‌های روستا یا شهر یا ولایت یا مملکت تنها به خود متکی بودند و از خود-بستگی برخوردار، امروز چنان رابطه‌ای باهم یافته‌اند که بدون رابطه و مبادله با دیگران قادر به ادامه زندگی اقتصادی خود نیستند. «اقتصاد»ها بین‌المللی شده‌اند، همچنین ذهنیات و ایدئولوژیها و فرهنگها. امروز نه تنها شاهد فروریختن مرزها و حدها در تمدنهای کهنه و نوهستیم، بلکه انسانهایی نیز که تا دیروز وحشی و ابتدایی و ماقبل تاریخی به‌شمار می‌آمدند در این مجموعه حرکات همبسته انسانی داخل شده و به سرعت در حال دگرگونی هستند و در سراسر زمین تلاش عظیمی در کار است که عنوانهای «وحشی و ابتدایی»، «ماقبل تاریخی»، «بومی»، «قرون وسطایی»، «فئودالی»، و مانند آنها جای خود را به عناوین «پیشرفته»، «تمدن»، «دارای فرهنگ امروز»، و «انسان عصر جدید» بدهد. در عصری بسر می‌بریم که در آن انسان بیش از هر زمان دیگر از وضع کنونی خود ناراضی و خواستار وضع دیگری است. بخش اعظم بشریت امروز دیگر به دنبال بهشت گم‌شده گذشته نیست، بلکه مدعی آنست که با سازمان دادن صحیح اوضاع اقتصادی و اجتماعی خود، به مدد علم و تکنیک، قادر خواهد بود که بهشت موعود رفاه و فراوانی و آسایش را در روی زمین بسازد و از اینرو سرشار از طلب چیزهای نو و اوضاع نوست.

در گذشته حرکات تاریخی و اجتماعی بسیار کند بود و در طول دهه‌ها و قرن‌ها صورت می‌گرفت و از اعماق جامعه آغاز می‌شد و به بالا نفوذ می‌کرد، ولی در عصری که حرکات اجتماعی و تاریخی دائماً شتاب بیشتری می‌گیرند، ضروریات تغییر و تحول سبب شده است که حرکات متقابلاً از پایین به بالا و از بالا به پایین جریان داشته باشد و حکومتها که در گذشته همیشه حافظ نظم موجود و پاسدار نظامهای کهن و مناسبات مستقر جامعه بودند، خود به‌عامل مهم تغییر تبدیل شوند و برای تغییر و تحول نظام عقلانی و با نقشه پایه‌گذاری کنند تا تغییر و تحول، نظراً، از سریعترین و با صرفه‌ترین راه صورت گیرد و امروز اکثر حکومتهای جهان عنوان «انقلابی» به خود و به برنامه‌های خود می‌دهند. رادیوها و روزنامه‌ها در همه‌جای دنیا آمارهای «ترقیات» را منتشر می‌کنند و میان ملت‌ها و دولت‌ها و ایدئولوژی‌ها مسابقه‌ای است بر سر این موضوع که هر یک خود را در کار «رشد» و «پیشرفت» از دیگران شایسته‌تر و موقتر نشان دهد.

انسان بابه کار انداختن قوه‌شناسایی خود اگرچه در زمینه علم و تکنیک پیروزیهای مهمی به دست آورده و بر طبیعت مسلط شده و خود را از حد موجود طبیعی به انسان اجتماعی رسانده است، هیچگاه از عوارض اعمال خود برکنار نبوده و هر بار که به پیروزی تازه‌ای در زمینه علم و تکنیک نایل شده وضع و روابط اجتماعی خود را به همان نسبت گسترده‌تر و پیچیده‌تر کرده است. انسان با ساختن ابزارها و پدید آوردن تکنیکها خود را از تسلط طبیعت رها ساخته و شرایط خود ساخته‌ای برای زیست اجتماعی و گروهی خود به وجود آورده و در عین گرفتار مشکلات ناشی از این سازندگی شده است. این مشکلات در تناقضها و تضادها و نابهنجاریهای سازمان اجتماعی و روابط انسانی در هر مرحله اجتماعی و تاریخی منعکس بوده است. از آنجا که هر وضع اجتماعی و تاریخی جدید متأخر بر اعمال انسان در زمینه‌شناسایی و تغییر دادن طبیعت است، انسان همیشه دچار عوارض نامطلوب اعمال خود نیز بوده است. به همین ترتیب، شناسایی علمی انسان از طبیعت بسیار متقدم است بر شناسایی علمی انسان از وضع اجتماعی خود. انسان تاکنون به‌مدد علم توانسته است اوضاع و احوال تبدلات و تغییرات طبیعی را بشناسد و پیشگویی کند و آنها را در جهت مطلوب خود به جریان اندازد، اما این کار را در مورد خود کمتر توانسته است و همین امر سبب نابسامانیها و ناراحتیهای بزرگ و کوچک او بوده است.

این تراکم مسائل و مشکلات انسانی در عصر کنونی، که حادث‌تر از هر عصر دیگر است و حتی موجودیت انسان را در معرض خطر قرار داده است، سبب تحریک افکار در جهت رشد و تقویت سریع رشته‌هایی از علوم شده است که انسان در وضع اجتماعی خود موضوع شناسایی آنهاست و مجموعه آنها «علوم اجتماعی» نامیده می‌شود. در زمانه‌ای که تکنیک بر همه چیز انسان مسلط شده و از یکسو منظره رفاه و فراوانی و از سوی دیگر منظره تخریب و انهدام و تسلط ساخته‌های دست انسان را بر انسان در پیش چشمها گذاشته است، بیش از هر زمان دیگر

این ضرورت حس می‌شود که برای چاره‌اندیشی نابسامانیهای ناشی از این وضع علوم اجتماعی اهمیت درجه اول دارند. در زمانی که انسانها می‌کوشند که همه امور کوچک و بزرگ و شیوه‌های کردار و سازمان و مدیریت کارهای خود را بر حسب منطق و اصول تنظیم کنند، هنوز بسیاری از بنیادهای کهنه اجتماعی دارای چنان خصوصیت غیرعقلی و ابتدایی است که حاصل بسیاری از این تلاشها را خنثی می‌کند و یا روشهای عقلی را در خدمت مقاصد سفیف و ضداجتماعی و ضدانسانی می‌گمارد که نتیجه آن نابسامانیها و بیماریهای کنونی پیکره جوامع بشری است.

زندگی در جامعه زیر سلطه تکنیک مستلزم شیوه‌های معقول کردار و مواجهه عقلانی با مشکلات و حل آنها از سریعترین و مناسبترین راه است، زیرا کارایی و بازده متناسب، که لازمه به کار بردن تکنیک است، نمی‌تواند با شیوه‌های نامعقول کهن، که مسائل را از طریق زور و تحکم حل می‌کرد، سازگار باشد. جامعه جدید ناگزیر است که حکومت و دلالت عقل و حل منطقی مسائل را بپذیرد تا بتواند پایدار باشد و پیشرفت کند. برای این منظور نیازمند آنست که شیوه‌های عقلی را نه تنها در جزئیات امور بلکه در اصول و مبانی اجتماعی خود به کار بندد و در همه زمینه‌ها از شناسایی علمی کمک بگیرد. افکندن بی‌محابای انسان در وضعیتی که شتاب زده و یا با مصلحت‌اندیشی‌های تنگ نظرانه فراهم شده باشد، او را دچار اضطراب می‌سازد و سرانجام به طغیان و امیدارد و ما امروز شاهد چنین طغیانهایی در قسمتی از جهان هستیم که سالها در نظر ما چنان می‌نمود که به نظم و استقراری دلخواه و معقول رسیده است.

در دنیایی که اشاعه همه‌جانبه تکنیک و تغییر و تحول و پیشرفت به عنوان اصل بی‌گفت و گو و ناگزیر پذیرفته شده است، علوم اجتماعی را در جنب علوم طبیعی اهمیت اساسی است، زیرا به مدد این علوم است که می‌توان با شناسایی و پیش‌بینی اوضاع اجتماعی آسیبها و اغتشاشهای ناشی از تغییر و تحول را تخفیف داد و انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر را آسانتر کرد. امروزه در کنار فیزیکدان و شیمیدان و زیست‌شناس و کارشناسان بسیار علوم و فنون مختلف، جامعه‌شناس و اقتصاددان و جمعیت‌شناس را در کار سازندگی جوامع جدید سهمی بزرگ است. سهم و تأثیر متخصصان علوم اجتماعی بویژه در کشورهایی که به علت عقب‌ماندگی در گذشته می‌خواهند مراحل رشد را با گامهای سریعتر و در زمان کوتاهتری بپیمایند، بیشتر است. زیرا سیر تحول در کشورهای پیشرفته‌ای که از چند قرن پیش در این راه قدم نهاده‌اند، تدریجی و خود به خود بود، ولی ضرورت صرفه‌جویی در منابع و لزوم سرعت زیاد در پیشرفت ایجاب می‌کند که در کشورهای کم‌رشد از پیش کارها سامان عقلی و متکی بر اصول و برنامه داشته باشند و برای این منظور وجود متخصصان علوم اجتماعی برای تطبیق دادن هدفهای رشد بوضع اجتماعی ضروری است. وضع کنونی کشورهای پیشرفته صنعتی قدیمی به خوبی سراسری را که اتکای محض به علم و تکنیک پیش می‌آورد، نشان می‌دهد و می‌بینیم که چشمداشت صرف به ثمرات مادی علم

وتکنیک و رفاه حاصل از آن به خودی خود چه مسائل اجتماعی را مطرح می‌کند و این خطای بزرگ گریبانگیر بسیاری از کشورهاست که گمان می‌کنند مشکلات آنها صرفاً اقتصادی است و اگر، مثلاً، درآمد ملی یا سرانه را به فلان حد برسانند، دیگر مسئله‌ای مطرح نخواهد بود، در حالی که تجربه‌های مختلف نشان می‌دهد که پیشرفتهای اقتصادی همیشه با خود مسایل اجتماعی تازه‌ای را به همراه می‌آورند که اگر پیش‌بینی و چاره‌اندیشی نشوند بحرانهای بزرگی رابه‌وجود می‌آورد.

بنابراین، توجه به علوم اجتماعی از چند جهت ضروری است. یکم آنکه، علوم اجتماعی به‌عنوان شاخه‌ای از علوم تجربی و نظری جدید در کنار علوم دیگر به‌سرعت گسترش می‌یابند و بعضی از آنها، مانند اقتصاد و جمعیت‌شناسی، به‌سرحد یک «علم دقیق» بسیار نزدیکند؛ دوم آنکه، علوم اجتماعی، در کنار علوم طبیعی، برای پیشبرد جوامع و بهبود وضع اجتماعی و کاستن از شدت نگرانیها و ناراحتیهای ناشی از پیدایش اوضاع جدید و نیز برای هموار کردن راه پیشرفت و صرفه‌جویی در به‌کار بردن منابع انسانی و فراهم آوردن بهترین شرایط سازش جوامع قدیمی با تکنیک و صنعت و زندگی اجتماعی جدید مفید و ضروری هستند؛ سوم آنکه، علوم اجتماعی در حکم ابزار انتقادی هستند و از آنها و روشهای آنها می‌توان مانند نور فکنی برای روشن کردن زوایای تاریک جوامع و کمی و کاستیهای آنها استفاده کرد و معایب و نایب‌جاریهایی را که معمولاً از چشمها مخفی هستند نشان داد. امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا هستند دانشمندان بسیاری در رشته‌های مختلف این علوم که با اتکاء به دانش و نیز حس مسئولیت اخلاقی و انسانی خود از پس ظواهر آراسته جوامع کنونی جنبه‌های زشت و نایب‌جاری آنها را، که چشم مردمان عادی قادر به دیدن آنها نیست، بیرون می‌کشند و در معرض دید قرار می‌دهند و به‌جامعه هشدار می‌دهند و مسبب اصلاحات اجتماعی می‌شوند.

از این جهات، ضرورت گسترش علوم اجتماعی در کشور ما تنها یک جست‌وجوی علمی و فعالیت دانشگاهی صرف نیست، بلکه ضرورتی اساسی است که باید به آن توجه کافی بشود و احتیاجات گوناگون اجتماعی ضرورت توجه به آن را ایجاب می‌کند. بدین لحاظ، وجود یک مجله خاص برای این علوم ضروری می‌نمود. این مجله اکنون کار خود را در وضعی آغاز می‌کند که به‌نظر می‌رسد کوششهای چندین ساله برای پایه‌گذاری این علوم در ایران و تأسیس رشته‌های این علوم در دانشگاهها و انتشار کتابها به‌تعداد نسبتاً قابل توجه و نشریاتی چند در این زمینه و نیز توجه عمومی به این علوم مقدمات لازم برای انتشار یک مجله تخصصی برای علوم اجتماعی را فراهم کرده‌است، و شاید اگر این کار چند سالی زودتر از این آغاز می‌شد چه بسا که مثل بسیاری از نشریات مشابه، در آغاز کار مجبور به توقف می‌شد.

علوم اجتماعی مجله‌ای است دانشگاهی، به این معنی که سروکار آن با علم است و ارائه و گزارش و نقد و بررسی آن، و نه این که پاسدار سنتی و روالی از پیش نهاده باشد و متکی به حوزه‌ای و مکتبی خاص. آنچه که این مجله در پی پایه‌گذاری آنست، اینست که فضایی باشد برای ارتباط و انتقال حاصل‌کارها و نظریات کسانی که در کار تحقیق و تفکر در زمینه‌های گوناگون علوم اجتماعی و مبادی نظری و فلسفی آن کوششی صادقانه دارند و هیچگونه جانب‌داری و جبهه‌گیری نظری و عملی در کار نیست. و نیز امکانی است برای معرفی میراث‌های این علوم و حاصل کوشش‌های اهل علم و تحقیق در این زمینه در دیگر کشورها، بویژه در مغرب زمین، که زادگاه این علوم به معنای جدید آنست و توجه ما همه به ضرورت بدان سواست. مجله علوم اجتماعی بنیاد خود را بر شناسایی نیازهایی که در این زمینه در کشور ما وجود دارد، نهاده است و بنابراین از هیچ‌الگوی دیگر که با نام‌های مشابه در جاهای دیگر منتشر می‌شود، پیروی نمی‌کند. مجله علوم اجتماعی از جهتی یک مجله مسائل نظری مربوط به علوم اجتماعی و فلسفه آنست. از جهت دیگر، قسمت عمده‌ای از مجله اختصاص خواهد یافت به نشر حاصل تحقیقات پژوهندگان ایرانی، بویژه کسان و گروه‌هایی که در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی به کار تحقیق در مسائل مختلف اجتماعی ایران مشغولند.

در کار تنظیم مطالب مجله دشواریهایی چند داشته‌ایم که بر همه کسانی که دست اندر کار چنین کارهایی بوده‌اند، پوشیده نیست. مهمترین این دشواریها مسئله زبان است و برگرداندن اصطلاحات علمی از زبانهای اروپایی به زبان فارسی. از آنجا که در این کار هنوز زبان مشترک و قابل قبولی برای همه اهل این علوم وجود ندارد و هرکس به سلیقه و صلاحدید خود تعبیری خاص از این اصطلاحات و معادلهای آن در زبان فارسی دارد، ناگزیر اغتشاشی به وجود آمده است که بویژه در یک مجله و با درکنار هم قرار گرفتن کارهای متفاوت از اشخاص مختلف، بارزتر به چشم می‌خورد. برای این مسئله راه حلی جود نداشت جز آنکه همه سلیقه‌ها را یکسان بپذیریم و در یکدست کردن آنها کوششی نکنیم، چرا که این کار ترجیح سلیقه‌ای بر دیگر سلیقه‌ها بود و این کار را وا گذاشتیم تا از طریق برخورد عقاید و آراء و انتخاب اصلح، تدریجاً و در طول زمان، و نه لزوماً در این مجله، حل شود.

در پایان به صاحب نظران و محققانی که به کار تفحص و تحقیق در این علوم مشغولند اعلام می‌شود که مجله علوم اجتماعی از همکاری کلیه افراد صلاحیتدار استقبال خواهد کرد.